



آداب نوروز سرشار از اخلاق و انسانیت هستند

آداب نوروز از جمله نوشدن، آشتی کردن، به دیدار بزرگترها رفتن و سپاس از خداوند سرشار از اخلاق و انسانیت هستند.

آداب نوروز از جمله نوشدن، آشتی کردن، به دیدار بزرگترها رفتن و سپاس از خداوند سرشار از اخلاق و انسانیت هستند.

نوروز در ایران مصادف با نخستین روز بهار است و همه جهان تولد تازه‌ای آغاز می‌کنند و در هیچ جای دنیا یک چنین موقعیتی برای نوروزشان ندارند که اول بهار اول سرسبزی طبیعت با جشن ملی و روحانی آمیخته شده باشد.

ایرانی‌ها سنت خود را بطور کامل حفظ کرده‌اند و فواید بسیار زیادی که نوروز داشته و دارد از نظر تحول درونی آدمها، از نظر زیبایی طبیعت، از نظر دید و بازدیدهایی که برقرار می‌شود و کینه‌ها و عداوت‌ها بدور ریخته می‌شود و از نظر اعتقادات مذهبی اینکه می‌گفتند از 10 روز قبل از نوروز ارواح نیاکان به خانه‌ها می‌آیند و اگر ببینند دیگران شاد و خوشحال و خرم هستند و مشغول برپایی جشن نوروز هستند، خوشحال می‌شوند و الابد حال می‌شوند. اینها در فرهنگ ایرانی شاخص هستند.

بنابراین، این انگیزه‌های مذهبی و طبیعت گرایی و نودوستی و همراهی و شادمانی اینها همه با هم یکدست شده و همراه با وقایعی که در این روز اتفاق افتاده نظیر برتخت نشستن جمشید یا قیام کاوه آهنگر، یا بعد از اسلام روایت شده که در چنین روزی علی به خلافت رسید، نوروز را همراه با وقایعی که در آن اتفاق افتاده در تاریخ ایران ماندگار کرده است.

در فرهنگ نوروز بیشترین شیوه‌های مردمی و همراهی با طبیعت دیده می‌شود. از قبل آنکه چهارشنبه سوری با شور و نیایش آتش و شعله افروختن همراه می‌شود باز می‌بینیم که سابقه دیرین تاریخی دارد و همینطور از نوروز که دید و بازدید و رفتن به پیش بزرگترها باشد با پوست و گوشت ایرانی و با فکر و ذهن آنان همیشه همراه بوده است.

تقارن نوروز با وقایع مهم تاریخی در این روز و گره خوردن آن با بسیاری از ارزشهای ملی و مذهبی ایرانیان این مراسم را برای همیشه در نزد ایرانیان ارزشمند و پر اهمیت ساخته است.

آداب نوروز از جمله نوشدن، آشتی کردن، به دیدار بزرگترها رفتن و سپاس از خداوند سرشار از اخلاق و انسانیت هستند. زمان برگزاری این جشن که در موقعیت اعتدال بهاری رخ می‌دهد آغاز زایش طبیعت است از این جهت که با دگرگونی طبیعت و فصل زایش همراه است. این جشن یک هویت تاریخی را از گذشته‌های دور بطور مداوم تا امروز دارد که اجرا می‌شود و هنوز هم با تغییر حکومتها حتی در منطقه آسیای مرکزی این جشن پابرجاست.

در نوروز ویژگیهایی است که این ویژگیها از نظر اخلاق، معرفت و دین مورد توجه است. به جهت اینکه در وهله اول سپاس یزدان برای نعماتی است که به انسان ارزانی داشته و آغاز فصل زایش است. دیگر به جهت این است که گفته می‌شود کسانی که با هم کدورت داشتند آشتی کنند، فرهنگ آشتی و دوستی را تبلیغ می‌کند.

رفتن کوچکترها به دیدن بزرگترها، بزرگی را اهمیت می‌دهد و نسلها را به یکدیگر نزدیک می‌کند. مسئله دیگر این است که مردم به عیادت بیماران و درماندگان می‌روند. دیگر اینکه همانطور که طبیعت نو می‌شود مردم کهنگی و ماندگیها را از افکار و دلها و ذهنشان دور می‌ریزند. از این جهات نوروز ماندگار مانده و کمتر مراسمی به آن می‌رسد.

فرهنگ ایرانی بدون نوروز معنا نمی‌دهد. زیرا تمام ویژگیهای یک فرهنگ خوب در نوروز مستتر است. کمک به مستمندان، عیادت بیماران، آشتی کردن و فرهنگ دوستی را توسعه دادن، سپاسگذاری به درگاه یزدان با سفره‌ای که می‌چینند. هرچه که فضایل هستند می‌مانند و این رذایلند که از بین می‌روند. نوروز هم به دلیل اینکه فضایل بسیاری در آن نهفته هستند ماندگار مانده است.

سنتی بودن این جشن‌ها که رسم و رسوم و عاداتی سنتی است که هرملتی برای خودش دارد که آنها را به جای می‌آورد و آن نوعی پیوند زدن با گذشته است.

هرچه که فضایل است می‌ماند و این رذایل است که از بین می‌رود. نوروز هم به دلیل اینکه فضایل بسیاری در آن نهفته است ماندگار

شده است زیرا که علاوه بر اینکه جشنی ملی است بنوعی نوروز به جای آوردن ارزشهای دینی هم است و آن هم در این دید و بازدیدها و کمک به نیازمندان و مستمندان احسان و نیکی به همنوع است که ریشه در فرهنگ ملی و اسلامی ما دارد.

از آنجا که فرهنگ ایرانی فرهنگ ریشه‌دار مهمان نوازی و خیرخواهی و توجه به مسائل اخلاقی است که ثمرات این فضایل را در ایام نوروز مشاهده می‌کنیم. یکی همان گشت و گذار در طبیعت و توجه به آن است و یکی هم نو شدن و تغییر و تحول و علاقمندی به تغییر است. اینها ویژگیهای فرهنگ ایرانی است که به خوبی در مراسم و ایام نوروز قابل مشاهده هستند. البته باید از آفات این مراسم مانند کارهای ناپسند شب چهارشنبه سوری و اسراف خانواده‌ها در تمیزی و نظافت خانه‌ها نیز خودداری شود.

اینکه ایرانیان تحول طبیعت یعنی آمدن بهار را بعنوان تفال نیک یعنی نیکبختی و خوش بینی مطرح کردن نوروز یکی از مشخصه‌های هویت فرهنگی ایران است.

نوروز در فرهنگ ایران یک سر فصل تاریخی است و از نظر سنت تاریخی به شاهپور اول جمشید می‌رسد. جمشید در اندیشه و اسطوره ایرانیان دومین شخصیت بعد از کیومرث است که اولین انسان بوده است.

جمشید وقتی به سلطنت نشست نوروز را به عنوان سال نو برگزید. اما تنها رسم فرهنگی سبب دوام یافتن نوروز نبود بلکه این فرهنگ همواره نشان دهنده ذوق ایرانیان است. ایرانیان تحول طبیعت را یعنی آمدن بهار را بعنوان تفال نیک یعنی نیکبختی و خوش بینی مطرح ساختند و چون زندگی توأم با این تفال نیک و خوش بینی سمبلیک است، با آغاز فروردین نوروز یا روز نو آغاز می‌شود. لذا این انطباق ایرانی با تحول طبیعی توأم با عامل عاطفه روانی که خوش بینی است سبب شد نوروز بعنوان عامل فرهنگی، ماندگار و باقی بماند

ممتاز شدن جشن نوروز علامت سمبلیک ملت ماست بطوریکه یکی از شاخصهایی که هویت ملی ما را تشکیل می‌دهد همین هویت فرهنگی ملی است.

هیچ وقت هیچ ملتی، ملیت و فرهنگ خود را از دست نمی‌دهد. اساس فرهنگ و ملیت یک سرشت و خصلت ذاتی است. ایرانیان فرهنگ خود را به اعراب انتقال دادند و نوروز شاخصه فرهنگ و تمدن ایرانی بود و حتی بعد از اسلام هم با آن هماهنگ شد. نوروز با تحول زمان و ذوق خوش بینی ایرانی برقرار ماند که این مراسم مهمترین مشخصه فرهنگ ایرانی است.

هماهنگی دقیق، کامل، بی‌نظیر و تحسین‌برانگیز نسبت به گردش طبیعت و سیر تحولات طبیعت نوروز را منحصر به فرد می‌کند.

آنچه که نوروز را به‌طور عام نسبت به سایر مراسم آیینی در تمام دنیا و بطور خاص نسبت به سایر تقویم‌های جهان متشخص و بدان امتیاز می‌بخشد هماهنگی دقیق، کامل، بی‌نظیر و تحسین‌برانگیز آن نسبت به گردش طبیعت و سیر تحولات طبیعت و آنچه که در قالب گردش فصول می‌بینیم، به حساب می‌آید. درواقع این یک ویژگی درمورد آیین ملی ما ایرانیان است که یک چنین ویژگی و مشخصه‌ای را ما در هیچ یک از کشورهای جهان به این شکل و به این دقت نمی‌بینیم.

درواقع تطابق کامل آن با فطرت طبیعت جوی بشر است که در قالب ظاهری آن، آن موافقت و همراهی‌ای که این آیین و مناسبت با تقویم و قوای طبیعی و فطری عالم دارد، این قضیه عامل مهمی بوده که باعث ماندگاری این مراسم تاکنون شده است و انتظار می‌رود این مسئله بر قوت خود باقی بماند و روز به روز به مراتب اهمیت و ارزش آن نیز افزوده شود.

ویل دورانت در تاریخ تمدن خودش به‌روشنی به این نکته اشاره کرده است. او دریایی که در جلد چهارم تاریخ تمدن در قالب تاریخ قرون وسطی به احوال خیام می‌پردازد در آنجا گذری به نقش شاخص عمر خیام نیشابوری در تدوین این تاریخ جلالی و گاهشماری نوروز در ایران دارد. در آنجا اشاره دارد به دقت و نکته‌سنجی تحسین‌برانگیزی که در نوروز وجود دارد و در آنجا این مسئله را به صورت یک سؤال مطرح می‌کند که بالاخره دنیای کنونی بایستی میان تقویم و گاهشماری ایرانی جلالی و نوروز ایران و تاریخ مرسوم امروز دنیا یعنی تاریخ مسیحی یا میلادی یکی را انتخاب کند.

رویگرد وی به این مسئله از آنجا نشأت گرفته که او به نحوی ملتفت این قضیه هستند که گاهشماری ایرانی، تقویم سلطانی یا جلالی ایرانی و نوروز علمی‌ترین و دقیق‌ترین گاهشماری و تقویم جهانی، بادر نظر گرفتن محاسبات دقیق ریاضی و نجومی است. درحالی‌که سایر تقویم‌های موجود در عالم هم‌چون تقویم میلادی یک چنین ویژگی را دارا نیستند. این تعبیر و رویکرد مرحوم ویل دورانت نسبت به این قضیه به نحوی می‌تواند نشان‌دهنده عظمت و مراتب آیین نوروز و به طبع آن تاریخ و تقویم جلالی یا پارسی ما باشد.

هماهنگی دقیق، کامل، بی‌نظیر و تحسین‌برانگیز نسبت به گردش طبیعت و سیر تحولات طبیعت نوروز را منحصر به فرد می‌کند.

قدمت نوروز که عیدی بسیار قدیمی است و ریشه‌های آن در حوزه‌های اساطیر ملی فرو رفته است یک دلیل برای ماندگاری این جشن ملی است. دلیل دوم و شاید دلیل اصلی، طبیعی بودن این جشن را می‌توان تلقی کرد. منظوم از طبیعی بودن این است که شروع بهار و ورود آفتاب بر برج حمل راز طبیعی بودن این عید است. منظور اینکه در مناطق نیمکره شمالی زمین که فصل بهار در لحظه ورود خورشید به برج حمل شروع می‌شود در همان لحظه اول عید نوروز هم آغاز می‌شود.

همچنانکه از نام نوروز پیداست عیدی است که روز نو و فصلی نو و اعتدال هوا با ختم زمستان و آغاز اعتدال ربیعی است، شروع و نامگذاری شده است. افسانه‌هایی که در شاهنامه و تاریخ اساطیری ایران است شروع نوروز را به جمشید پادشاه سلسله پیشتازی نسبت می‌دهد که در این روز با غلبه بر دیوان، نوآوری‌های مؤثر اجتماعی را پایه‌گذاری کرد. آن روز را نوروز یعنی روزی نو و حکومتی با پادشاهی مقتدر می‌دانند.

تاریخ افسانه‌ای (اساطیری) ایران درواقع همانگونه که گفته شد با نوروز آغاز می‌شود بنابراین تقریباً تمام آن را می‌توان از این دریچه دید و آغاز و اعتلای آن را با نوروز شناخت.

یکی از این شاخصها میزان قدمت عید نوروز است و همین امر سبب می‌شود که علاوه بر دلیل فوق، طبیعی بودن یک جشن ملی و اصالت آن عید، نوروز را نزد مردم و حتی ملت‌هایی که ایرانی یا مسلمان هم نیستند این جشن را درمیان خود رعایت کنند. این امر تازه‌ای نیست. در زمان حکومت عباسی درپهنه قلمروی جغرافیایی دولتهای عباسیان از خلیفه عباسی گرفته تا بسیاری از آحاد مردم وابسته به این دولت عید نوروز را با نهایت شوق و توجه جشن می‌گرفتند

همانطور که می‌دانیم یونسکو و همچنین مجمع عمومی سازمان ملل هم به تناوب نوروز را روزی تعطیل و عیدی ملی و جهانی معرفی کرده‌اند. مهرورزی به عالم و آدم مشخصترین ویژگی نوروز به شمار می‌آید. این عشق درنهایت به آفریننده کاینات ختم می‌شود زیرا به قول عبدالرحمان جامی عارف و شاعر پرآوازه قرن نهم ستایش از هر زیبایی و مهرورزی به آنها درحقیقت تکریم آفریننده آنهاست. " جمال اوست هر جا جلوه کرده / زمعشوقان عالم بسته پرده

دلی کو عاشق خوبان دلجوست / بداند یانداند عاشق اوست"

رمز ماندگاری نوروز را باید در ذات این آئین جستجو کرد که فرد دیدگاه‌هایی اندیشمندانه دارد. زیرا سنت نوروز و آئینهای وابسته به آن زنگ را از دلها می‌شویند و در آدمیان گرمی و مهربانی پدید می‌آورند، به دیدگان برق مهر و یکرنگی می‌دهند، نور امید بر قلبها می‌تابانند، عداوتها را به دوستیها بدل می‌کنند. اینها همان است که هر انسان واقعی در طلب آن است. بنابراین اگر خوب دقت کنیم مجموع این عوامل، زندگی‌ساز است یعنی اینکه نوروز خود زندگی است. بنابراین تا انسان هست و تا زندگی هست نوروز هم هست.

سنت درواقع جلوه گاه و ذهن جمعی یک جامعه است که سر در ریشه‌های تاریخی و فرهنگی دارد. جریانی است که تمامی اندیشه‌های مورد قبول یک جامعه را متجلی می‌سازد. بنابراین سنت نوروز و آئینهای وابسته به آن جلوه‌گاه بسیاری از ارزشهای ایران فرهنگی است و می‌دانیم که ایران فرهنگی شامل کشورهای آسیای مرکزی و مناطق همجوار شرق و غرب ایران می‌شود که جشن نوروز در آنها برگزار می‌شود.

جشن نوروز حتی در کشمیر که در آنجا نیز این ایام جزو تعطیلات رسمی محسوب می‌شود برگزار می‌شود و همه اینها مبین گستردگی فرهنگ ایرانی است که آئینهای نوروزی وجه شاخص آن است.